

متن کامل سخنرانی چه گوارا در سیزدهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۱ دسامبر ۱۹۶۴



استعمار محکوم به شکست است

هیأت نمایندگی کوبا در این مجمع قبل از هر چیز خوشحال است که به وظیفه خود عمل کرده و پیوستن سه ملت جدید به شمار بزرگ ملت هایی را که نمایندگان آنها مشکلات جهان را بررسی می کنند، خوش آمد بگوید. ما از طریق روسای جمهور و نخست وزیران آنها به مردم زامبیا، مالاوی و مالت تبریک گفته، و امیدواریم که این سه کشور از آغاز به کشورهای گروه عدم تعهد، که علیه امپریالیسم، استعمار، و نواستعمار مبارزه می کند، بپیوندند.

ما همچنین مایلیم به ریاست این مجمع تبریک بگوییم، ارتقاء ایشان به این مقام از اهمیت ویژه ای برخوردار است و نشانگر این مرحله جدید از پیروزی های چشمگیر مردم آفریقا است که تا چندی پیش در انقیاد نظام استعماری امپریالیسم به سر می بردند، نشانگر پیروزی خلق هایی که اکثر آنها امروز در نتیجه اعمال مشروع حق تعیین سرنوشت خود، شهروندان دولت های مستقل شده اند. آخرین ساعت نواستعمار فرارسیده است و میلیون ها سکنه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین برای دیدار یک زندگی جدید، و بدست گرفتن حق نامحدود تعیین سرنوشت خود و برای توسعه مستقل ملت های خود بپا خاسته اند.

آقای رییس، در انجام وظائفی که دولت های عضو به شما محول کرده اند، برایتان آرزوی موفقیت داریم.

کوبا برای بیان موضع خود پیرامون مهمترین موضوعات مورد بحث به اینجا آمده است و با احساس مسئولیت کامل، که از الزامات استفاده از

این تریبون است، موضع خود را بیان کرده و در عین حال به وظیفه غیر قابل اجتناب صحبت کردن روشن و صریح عمل خواهد کرد.

ما خواهان آن هستیم که این مجمع راضی بودن از خود را رها کرده و به جلو گام بردارد. ما خواهان آن هستیم که کمیته ها کار خود را شروع کنند و با پیش آمدن اولین رودررویی متوقف نشوند. امپریالیسم بجای آنکه از این گردهمایی برای حل مشکلات جدی جهان استفاده کند، می خواهد آن را به مسابقه در سخنوری ها بی هدف مبدل کند. ما باید مانع انجام آن شویم. این مجمع نباید در آینده فقط با عدد سیزده [بعنوان سیزدهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل] مشخص شود. ما احساس می کنیم حق و مسئولیت آن را داریم که تلاش کنیم این مجمع را ثمر بخش کنیم زیرا کشور ما یک نقطه اصطکاک دائمی است، یک از جاهایی که اصول حامی حقوق ملت های کوچک هر روز، هر دقیقه به آزمون گذاشته می شود؛ و در عین حال کشور ما بمثابه یکی از سنگرهای آزادی در جهان که در چند قدمی امپریالیسم ایالات متحده واقع شده است، با اقدامات خود، بطور روزانه نشان می دهد که خلق ها در شرایط موجود جهان می توانند خود را آزاد کنند و خود را آزاد نگه دارند البته، اکنون اردوگاه سوسیالیستی وجود دارد که روز به روز قوی تر می شود و سلاح های نیرومندتری برای مبارزه در اختیار دارد. اما برای بقاء به شرایط دیگری نیاز است: حفظ انسجام درونی، باور به سرنوشت خود، و تصمیم غیرقابل برگشت مبارزه تا مرگ در دفاع از کشور و انقلاب خود. این شرایط در کوبا وجود دارند.

از تمام مشکلات حادی که این مجمع باید به آنها توجه کند، مشکلی که برای ما اهمیت ویژه ای دارد و ما احساس می کنیم باید قبل از هر چیز به حل آن پرداخت، و نگذاشت در ذهن احدی تردید وجود داشته باشد، امر همزیستی مسالمت آمیز دولت های دارای نظام های اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. در این عرصه پیشرفت زیادی صورت گرفته است. اما امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده، سعی کرده است این را به جهان بقبولاند که همزیستی مسالمت آمیز بر روی زمین حق انحصاری قدرت های بزرگ است.

ما آنچه را که رییس جمهورمان در قاهره گفت، و متعاقباً در «اعلامیه دومین کنفرانس سران حکومت یا دولت کشورهای عدم تعهد» شکل گرفت، تکرار می کنیم: «اگر می خواهیم صلح جهانی را تأمین کنیم، همزیستی مسالمت آمیز نمی تواند تنها در میان قدرتمندان وجود داشته همزیستی مسالمت آمیز باید از جانب تمام دولت ها، مستقل از اندازه، روابط تاریخی پیشینی که آنها را به هم مرتبط می کند، و مستقل باشد از مشکلاتی که ممکن است در یک لحظه مشخص بین آنها ظهور کند، رعایت شود»

در حال حاضر آن نوع همزیستی مسالمت آمیزی که ما خواهان آن هستیم در موارد بسیاری وجود ندارد. کشور پادشاهی کامبوج، صرفاً بخاطر سیاست بیطرفانه ای که داشت و نمی خواست تسلیم دسیسه های امپریالیسم ایالات متحده شود، از طرف پایگاه های یانکی در ویتنام جنوبی، مورد همه نوع حملات خائنه و وحشیانه قرار گرفته است.

کشور تقسیم شده لائوس نیز مورد همه نوع تجاوزات امپریالیستی قرار گرفته است. به میثاق های به امضاء رسیده در ژنو تجاوز شده است، خلق های آن از هوا قتل عام شده اند، و بخشی از قلمرو آن مورد تهدیدات بزدلانه دائمی نیروهای امپریالیستی قرار دارد.

جمهوری دموکراتیک ویتنام، که بیشتر از هر خلق دیگر جهان با تاریخ تجاوزات آشنا است، یکبار دیگر مرزهایش مورد تجاوز واقع شده، تاسیسات آن از طرف جنگنده ها و هواپیماهای دشمن مورد حمله قرار گرفته، و ایستگاه های ساحلی آن از طرف کشتی های جنگی مورد حمله واقع شده و به قلمرو آبی آن تجاوز شده است.

اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین به ایالات متحده هشدار جدی داده اند. در این شرایط نه تنها صلح جهانی در خطر است، بلکه جان میلیون ها انسان نیز در این بخش از آسیا مورد تهدید دائم، و تابع بلهوسی ایالات متحده متجاوز قرار گرفته است.

در قبرس نیز، در نتیجه فشار دولت ترکیه و ناتو، همزیستی مسالمت آمیز بشیوه ای سبعانه مورد آزمون قرار گرفته، مردم و دولت قبرس را مجبور به اتخاذ یک موضع استوار و قهرمانانه در دفاع از حق حاکمیت خود کرده است.

در تمام این بخش های جهان، امپریالیسم در صدد است نسخه خود از همزیستی مسالمت آمیز را تحمیل کند. این خلق های تحت ستم در اتحاد با اردوگاه سوسیالیستی هستند که باید معنی واقعی همزیستی مسالمت آمیز را به امپریالیسم نشان دهند، و مسئولیت سازمان ملل است که از خلق های تحت ستم پشتیبانی نماید.

ما همچنین باید بگوییم که فقط در روابط بین دولت های دارای حق حاکمیت نیست که مفهوم همزیستی مسالمت آمیز باید به روشنی تعریف شود. ما، بعنوان مارکسیست، معتقد بوده ایم که همزیستی مسالمت آمیز بین ملت ها شامل همزیستی بین استثمارگران و استثمار شونده ها، بین ستمگران و ستمکشانی نمی شود.

علاوه بر این، یکی از اصول اعلام شده از طرف این سازمان حق استقلال کامل از همه اشکال ستم استعماری است. از اینروست که ما همبستگی خود را با خلق های گینه، آنگولا و موزامبیک به اصطلاح متعلق به پرتغال، که بجرم تقاضای آزادی خود قتل عام شده اند اعلام می کنیم و آماده ایم در حد توانایی خود و منطبق با اعلامیه قاهره به آنها کمک کنیم.

ما همبستگی خود را با مردم پورتوریکو، و رهبر بزرگ آن، پدرو آلبیزو کامپوس، که در سن هفتاد و دو سالگی و بعد از گذراندن عمر خود در زندان، طی یک اقدام ریاکارانه دیگر آزاد شده و اکنون فلج است و تقریباً قادر به حرف زدن نیست، اعلام می داریم. آلبیزو کامپوس یک نماد آمریکایی است که هنوز غیر قابل خرید و تسلیم نشدنی باقی مانده است. سال ها و سال ها زندان، فشارهای تقریباً غیرقابل تحمل در زندان، شکنجه روحی، حبس انفرادی، انزوای کامل از مردم و خانواده اش، وقاحت فاتحین و مباشران آنها در سرزمین مادری اش - نتوانست اراده او را در هم شکنند. هیأت نمایندگی کوبا، بنماینده از طرف مردم آن، در برابر میهن دوستانی که باعث افتخار آمریکا هستند، ادای احترام می کند.

آمریکای شمالی، سال هاست که سعی کرده است پورتوریکو را به تصویری از یک فرهنگ پیوندی مبدل کند - زبان اسپانیایی با صرف انگلیسی، زبان اسپانیایی با لولا در ستون اصلی آن، بهتر بودن خم شدن در برابر سرباز ایالات متحده. سربازان پورتوریکو بعنوان گوشت دم توپ جنگ های امپریالیستی، بعنوان مثال در کره، مورد استفاده قرار گرفته اند و حتی مجبور شده اند - آنچنان که در قتل عامی که چند ماه پیش ارتش با این آمریکا علیه مردم بیگناه پانامانه دست به آن زد و تازه ترین اقدام شیطنانی امپریالیسم یانکی است - به روی برادران خود شلیک کنند وجود، علیرغم آن حمله دهشتناک علیه اراده و سرنوشت تاریخی آن، مردم پورتوریکو فرهنگ خود، ویژگی لاتین خود، احساسات ملی خود را که در خود دلیلی بر عزم استواری است که در میان توده های این جزیره آمریکای لاتینی برای استقلال وجود دارد، حفظ کرده اند.

ما همچنین باید اشاره کنیم که اصل همزیستی مسالمت آمیز به معنی به مسخره گرفتن اراده خلق ها نیست- آنطور که در به اصطلاح گینه انگلیس اتفاق افتاده است و دولت چدی جاگان، نخست وزیر، قربانی همه نوع فشار و مانور شده است، و همزمان با آن، دستیابی به استقلال بعلت جستجوی شیوه هایی که تحقیر اراده مردم را امکان پذیر نماید و در عین حال انقیاد یک دولت متفاوت با دولت کنونی را تضمین کند به تعویق افتاده است، دولتی که قرار است با تاکتیک های پنهانی سرکار بیاید و یک «آزادی» مهم به این قطعه از خاک قاره آمریکا اعطا کند. جدای از هر راهی که گینه برای کسب استقلال انتخاب کند، حمایت اخلاقی و رزم جویانه کوبا با مردم گینه خواهد بود.

علاوه براین، باید اشاره کنیم که جزایر گوادالوپ و مارتینیک مدت زمان طولانی است که برای استقلال خود مبارزه می کنند بدون آنکه به آن دست یافته باشند. این وضعیت نباید ادامه پیدا کند.

ما یکبار دیگر صدای خود را بلند می کنیم تا نسبت به آنچه در آفریقای جنوبی می گذرد، به جهان هشدار دهیم. سیاست وحشیانه آپارتاید در مقابل چشمان تمام جهان در حال اجرا است. خلق های آفریقا مجبور می شوند مفهوم هنوز رسمی برتری یک نژاد بر نژاد دیگر، و قتل بدون کیفر مردم به نام برتری نژادی را در آن قاره تحمل کنند. آیا سازمان ملل نمی تواند برای متوقف کردن این کاری کند؟ من مایلیم بطور مشخص به مورد دردناک کنگو اشاره کنم، مورد منحصر بفردی در تاریخ مدرن جهان، که نشان می دهد چگونه حقوق مردم با مصونیت مطلق و وقیحانه ترین بد طینتی مورد تجاوز قرار می گیرد. علت مستقیم این، ثروت عظیم کنگو است، که ملت های امپریالیست می خواهند آن را تحت کنترل خود نگه دارند. رفیق ما فیدل کاسترو در اولین سخنرانی خود در سازمان ملل گفت که کل مسأله همزیستی مسالمت آمیز خلق ها به مصادره او گفت: «با ناپدید شدن این فلسفه ترس و ارعاب، فلسفه جنگ هم ناپدید خواهد شد. ناحق ثروت دیگران تنزل داده شده است.»

فلسفه ترس و ارعاب نه فقط متوقف نشده است، بلکه از هر زمان دیگری قوی تر است، و به این دلیل آنهایی که از نام سازمان ملل استفاده می کنند لومومبا را به قتل رساندند و امروزه به نام دفاع از نژاد سفید هزاران کنگویی را ترور می کنند. چگونه می توان فراموش کرد به امیدی که پاتریس لومومبا به سازمان ملل بسته بود خیانت شد؟ چگونه می توان دسیسه ها و مانورهایی که پس از اشغال آن کشور از طرف نیروهای سازمان ملل- که به نام آن، ترور کنندگان این میهن دوست کبیر آفریقایی با مصونیت عمل کردند- رخداد را فراموش کرد؟ چگونه می توان فراموش کرد کسی که اقتدار سازمان ملل در کنگو را زیر پا گذاشت- آنها هم نه به دلایل میهن دوستانه، بلکه بعلت کشمکش بین امپریالیست ها- مویسه تشومبه بود که با حمایت بلژیک اقدام به تجزیه کاتانگا کرد؟ و چگونه می توان توحیه کرد یا توضیح داد که در خاتمه تمام فعالیت های سازمان ملل، تشومبه کاتانگا را ترک کرد و بعنوان صاحب و ارباب کنگو بازگشت؟ چگونه می توان نقش عربانی را نادیده گرفت که امپریالیست ها سازمان ملل را مجبور به ایفای آن کردند؟

بطور خلاصه، برای جلوگیری از جدایی کاتانگا بسیج دراماتیکی صورت گرفت، اما اکنون همان کاتانگا قدرت را در دست دارد! ثروت کنگو در دست های امپریالیستی است و هزینه آن را ملت های شرافتمند باید بپردازند. تجار جنگ مطمئناً کار و کسب خوبی دارند. به این دلیل است که کوبا از برخورد اتحاد شوروی در امتناع از پرداختن هزینه این جنایت حمایت می کند.

و گویا اینها کافی نبوده است، ما اکنون رویدادهای تازه ای را در برابر خود داریم که جهان را مملو از دهشت و خشم کرده است. چتربازان چه کسانی هستند؟ هواپیماهای آمریکایی که از پایگاه های انگلیسی بلند شدند، چتربازان بلژیکی را منتقل کردند. انگار دیروز بود که ما شاهد آن بودیم که یک کشور کوچک در اروپا، یک کشور متمدن و صنعتی، کشور پادشاهی بلژیک، مورد حمله اردوی هیتلری واقع شد. ما با تأسف مطلع شدیم که این مردم بدست امپریالیست های آلمان قتل عام می شدند، و همدردی و عواطف ما با آنها بود. اما بسیاری آنموقع روی دیگر

احتمالاً پسران میهندوستان بلژیکی که در دفاع از کشورشان کشته شدند، اکنون هزاران کنگویی را بنام نژاد سفید، سکه امپریالیستی را ندیدند ترور می کنند، درست همانطور که خودشان به این دلیل که خونشان آریایی خالص نبود، زیر چکمه آلمان له شدند. اما موانع از برابر چشمان ما کنار رفته است، آنها اکنون افق های تازه ای را گشوده اند، و ما چیزی را می توانیم ببینیم که دیروز در شرایط بردگی استعماری قادر به مشاهده آن نبودیم: «تمدن غربی» که صحنه ای از گفتار ها و شغال ها را در پس یک ظاهر پر زرق و برق پنهان می کند. گفتار و شغال تنها نام برانده آنهایی است که برای انجام وظائف «بشر دوستانه» به کنگو رفته اند. قصاب های خون آشامی که از خلق های بینوا تغذیه می کنند! آن چیزی است که امپریالیسم بر سر انسان های می آورد؛ آن چیزی است که امپریالیست های «سفید» را مشخص می کند.

انسان های آزاده جهان باید برای گرفتن انتقام جنایتی که در کنگو صورت گرفته است آماده شوند. ممکن است بسیاری از سربازانی که بوسیله دستگاه امپریالیستی به «ابر مرد» مبدل شده اند، صادقانه باور داشته باشند که از حقوق یک نژاد برتر دفاع می کنند، اما در این مجمع انسان هایی که رنگ پوست شان با نور متفاوت خورشید و با ماده رنگی متفاوت تیره شده است در اکثریت هستند، و کاملاً و بروشنی می دانند که تفاوت بین انسانها نه در رنگ پوستشان، بلکه در مالکیت بر ابزار تولید و در روابط تولیدی قرار دارد.

هیأت نمایندگی کوبا به خلق های «رودزیای جنوبی» و «جنوب غربی آفریقا»، که تحت ستم اقلیت استعمار گران سفید پوست قرار دارند، به بچوانالند، «سوازیلند»، سومالی فرانسه و خلق های عرب فلسطین، عدن، امارات تحت الاحمیه، عمان و به تمام «»، «خلق های «باسوتولند خلق های که با امپریالیسم و استعمار مبارزه می کنند درود می فرستد؛ و ما بر حمایت خود از آنها تأکید می کنیم.

من همچون برای درگیری که جمهوری خواهر ما اندونزی در روابط خود با مالزی با آن روبروست، راه حل عادلانه ای را آرزو دارم.

یکی از موضوعات اساسی که در برابر این کنفرانس قرار دارد موضوع خلع سلاح عمومی و کامل است. ما حمایت خود را از خلع سلاح عمومی و علاوه بر این، ما خواهان نابودی کامل سلاح های اتمی و برگزاری کنفرانسی از تمام کشورهای جهان برای تحقق کامل اعلام می کنیم نخست وزیر ما، طی اظهارات خود در مقابل این مجمع گفت که مسابقه تسلیحاتی، بخشیدن به این آرزوی تمام خلق های جهان هستیم همیشه به جنگ منتهی شده است. قدرت های اتمی جدیدی در جهان وجود دارند، و احتمال درگیری بسیار جدی است.

ما احساس می کنیم برگزاری یک کنفرانس برای رسیدن به نابودی کامل سلاح های اتمی و بعنوان اولین قدم، منع کامل آزمایش های اتمی، ضروری است. در عین حال باید تعهد روشن تمام دولت ها به احترام به مرزهای کنونی دیگر دولت ها و اجتناب از هر نوع تجاوزی حتی با استفاده از سلاح های متداول برقرار شود.

همصدا با همه مردم جهان که خواهان خلع سلاح عمومی و کامل، نابودی زرادخانه اتمی، و توقف کامل آزمایش هر نوع سلاح اتمی هستند، ما احساس می کنیم علاوه بر آن لازم است بر ضرورت احترام به تمامیت ارضی ملت ها و کوتاه کردن بازوی مسلح امپریالیسم، که با سلاح های غیر اتمی به همان میزان خطرناک است، تأکید شود. آنهایی که هزاران شهروند بی دفاع کنگو را به قتل رساندند از سلاح های اتمی استفاده نکردند. آنها از سلاح های غیر اتمی استفاده کردند، و این نوع سلاح ها که از طرف امپریالیست ها بکار گرفته می شود موجب آنهمه کشته شده است.

حتی اگر قرار باشد اقدامات پیشنهاد شده در اینجا عملی شده و [نهایتاً] گفتن نکته ذیل را غیر ضرور نماید، ما هنوز لازم می دانیم یاد آور شویم مادام که ایالات متحده پایگاه های تجاوز گرانه خود را در قلمرو ما، در پورتریکو و در پاناما، و در دیگر دولت های آمریکایی که احساس می کند بدون محدودیت نسبت به سلاح های اتمی و غیر اتمی، حق استقرار آنها را دارد، حفظ نماید، ما نمی توانیم به هیچ قراردادی برای غیر کردن منطقه ملحق شویم. اتمی

بهر حال، ما احساس می کنیم با توجه به قطعنامه اخیر سازمان دولت های آمریکایی علیه کوبا، که براساس عهدنامه ریو می تواند مجوزی برای تجاوز باشد، باید بتوانیم از خودمان دفاع کنیم.

اگر چنان کنفرانسی که به آن اشاره کردیم به همه این اهداف دست یابد- که متأسفانه کار دشواری است- یکی از مهمترین تحولات در تاریخ بشر خواهد بود. برای تضمین آن، جمهوری خلق چین باید حضور داشته باشد و این خود یکی از دلائلی است که چنان کنفرانسی باید برگزار شود. اما برای مردم جهان بسیار آسانتر خواهد بود اگر این حقیقت غیرقابل انکار را بپذیرند که جمهوری خلق چین وجود دارد، اینکه حکام آن تنها نمایندگان مردم چین هستند، و جایی را به آن بدهند که حق اوست، جایی که در حال حاضر از طرف دارو دسته ای که با کمک ایالات متحده ایالت تایوان را کنترل می کند، غصب شده است.

مشکل نمایندگی چین در سازمان ملل، به هیچ طریق نمی تواند موردی از پذیرش یک عضو جدید به سازمان بررسی شود، بلکه موردی از دو چین» را قویاً رد می کنیم. دار و دسته چیانگ کای چک تایوان «بازگرداندن حقوق مشروع مردم جمهوری خلق چین به آنهاست. ما مفهوم نمی تواند در سازمان ملل باقی بماند. این دارو دسته باید اخراج شود و نماینده قانونی مردم چین جای آن را بگیرد.

ما همچنین علیه پافشاری دولت ایالات متحده بر نشان دادن مسأله نمایندگی قانونی چین در سازمان ملل بعنوان «یک مسأله مهم»- برای آنکه تصمیم پیرامون آن با رای دو سوم اعضای حاضر صورت گیرد- هشدار می دهیم. پذیرش جمهوری خلق چین به سازمان ملل، در واقع یک مسأله مهم برای تمام جهان است، اما نه برای مکانیسم های سازمان ملل که در آنجا صرفاً مسأله اسلوب است.

بدینگونه حق ادا خواهد شد، اما مهمتر از دستیابی به عدالت این واقعیت خواهد بود که یکبار برای همیشه نشان داده خواهد شد این مجمع با شکوه از چشم های خود برای دیدن، از گوش های خود برای شنیدن، و از زبان خود برای سخن گفتن استفاده می کند؛ و معیارهای معینی برای اتخاذ تصمیم های خود دارد.

گسترش سلاح های اتمی در میان دولت های ناتو، بویژه داشتن این سلاح های کشتار جمعی از جانب جمهوری فدرال آلمان، امکان توافق پیرامون یک موافقتنامه خلع سلاح را، که یکی از مسائل مربوط به آن وحدت مسالمت آمیز آلمان است، بعید تر می کند. مادام که تفاهم روشن باید برسمیت شناخته شود. مسأله آلمان فقط با -وجود ندارد، وجود دو آلمان- یعنی جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان مشارکت مستقیم و برخوردار از حقوق کامل جمهوری دمکراتیک آلمان در مذاکرات حل می شود

ما باید اجمالاً به مسائل توسعه اقتصادی و تجارت بین المللی که بخشی از دستور کار نشست را تشکیل می دهد، بپردازیم. در سال جاری، ۱۹۶۴، کنفرانس ژنو برگزار شد، و در آن یکسری موضوعات مربوط به جوانب روابط بین الملل مورد بررسی قرار گرفت. وضعیت ناگوار کشورهای از نظر اقتصادی وابسته، درستی هشدار ها و پیش بینی های هیأت نمایندگی ما تأیید می کند.

مایلم تا آنجا که به کوبا مربوط می شود به آن اشاره کنیم، ایالات متحده آمریکا توصیه های روشن آن کنفرانس را بکار نبسته است، و دولت ایالات متحده اخیراً فروش دارو به کوبا را ممنوع کرده است، و برای همیشه نقاب انساندوستی که با استفاده از آن سعی کرده است طبیعت تجاوز گرانه محاصره اقتصادی مردم کوبا را پنهان نماید، کنار زده شده است.

علاوه بر این، ما یکبار دیگر می گوئیم این دسیسه های استعماری، که مانع پیشرفت خلق ها می شود، تنها خود را در روابط سیاسی نشان نمی دهند. به اصطلاح وخامت شرایط تجاری چیزی نیست مگر مبادله نابرابر بین کشورهای تولید کننده مواد خام و کشورهای صنعتی که بر بازاها تسلط دارند و انصاف دروغین بر ارزش های مبادلاتی غیرمنصفانه را تحمیل می کنند

مادام که خلق های از نظر اقتصادی وابسته خود را از بازارهای سرمایه داری آزاد نکنند، و با کشورهای سوسیالیستی بمنابۀ یک بلوک، شرایط تجاری جدیدی را بین استثمار شوندهگان و استثمارگران تحمیل نمایند، توسعه اقتصادی سالم وجود نخواهد داشت، و در موارد مشخصی سیر قهقراپی صورت خواهد گرفت و در نتیجه آن کشورهای ضعیف تحت سلطه سیاسی امپریالیست ها و استثمارگران قرار خواهند گرفت.

بالاخره، باید روشن کرد که در منطقه کاراییب، مانورها و تدارکاتی برای تجاوز علیه کوبا در دست اجراست؛ در سواحل نیکاراگوئه، بیش از همه، در منطقه کانال پاناما، در جزایر ویاکز پورتریکو، در فلوریدا، و احتمالاً در بخش های دیگر قلمرو ایالات متحده، و شاید در هندوراس هم، مزدوران کوبایی، و مزدورانی از دیگر ملیت ها، برای هدفی که صلح آمیز نمی تواند باشد آماده می شوند.

در پی یک رسوایی آشکار، گفته می شود دولت کوستاریکا دستور بستن تمام میادین آموزش کوباییان تبعیدی در آن کشور را صادر کرده است. کسی نمی داند که آیا این یک حرکت صادقانه است، یا یک مانور ساده که در نتیجه آماده بودن مزدوران تعلیم دیده برای ارتکاب برخی جرایم، صورت گرفته است. ما امیدواریم نسبت به وجود واقعی آن پایگاه های تجاوز- امری که ما مدت ها پیش آن را محکوم کردیم- توجه شود و به اینکه جهان به مسئولیت بین المللی دولت هر کشوری که تعلیم مزدوران برای حمله به کوبا را تصویب و تسهیل نماید، فکر خواهد کرد.

ما باید اشاره کنیم که اخبار تعلیم مزدوران در جاهای گوناگون کاراییب و مشارکت دولت ایالات متحده در آن اقدامات چیزی است که علناً در روزنامه های ایالات متحده منتشر می شود. ما نشینده ایم که از آمریکای لاتین صدایی در اعتراض رسمی به این بلند شده باشد. این نشان دهنده خبثتی است که ایالت متحده با آن مهره های خود را حرکت می دهد.

وزرای امور خارجه رند سازمان دولت های آمریکایی چشم های «دیدن» نشانه ها و یافتن «مدرک انکارناپذیر» کوبایی در سلاح های یانکی در ونزوئلا را دارند، اما تدارکات در ایالات متحده برای تجاوز را نمی بینند، همانطور که صدای پرزیدنت کندی را نمی شنوند، که علناً خود را متجاوز به کوبا در پلایا گیرون اعلام کرد. در برخی موارد این نابینایی از نفرت طبقات حاکم بر مردم آمریکای لاتین از انقلاب ما ناشی می شود، و در موارد دیگر، حتی از این تأسف آور تر بوده و نتیجه برق کور کننده ثروت مادی است.

، ایالات متحده در قبال اتحاد شوروی تن به تعهدات «همانطور که همه می دانند، بعد از رویداد ناگهانی ترسناک موسوم به «بحران کاراییب مشخصی داد که به خروج انواع مشخص سلاح انجامید- سلاح هایی که بعلت ادامه تجاوز آن کشور- مانند حمله مزدورانه علیه پلایا گیرون و تهدیدات تجاوز به کشور مان- ما را مجبور کرده بود آنها را بعنوان یک اقدام دفاعی قانونی در کوبا مستقر کنیم.

آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند سازمان ملل باید قلمرو ما را بازرسی نماید، ما این را قاطعانه رد کرده ایم و رد خواهیم کرد، زیرا کوبا حق ایالات متحده و یا هیچکس دیگری در جهان نمی‌داند که بخواهد تعیین کند کوبا چه نوع سلاح‌هایی را در داخل مرزهای خود ممکن است نگهدارد.

در ارتباط با این، ما خود را فقط به موافقتنامه‌های چند جانبه با تعهدات برابر برای تمام طرف‌های درگیر ملزم می‌دانیم. فیدل کاسترو اعلام کرد: «مادام که مفهوم حاکمیت بعنوان حق ملت‌ها و خلق‌های مستقل، و بعنوان حقوق همه خلق‌ها وجود دارد، ما نباید محرومیت مردم مان از آن حق را بپذیریم؛ مادام که این اصول بر جهان حاکمند، مادام که آن مفاهیمی که از طرف مردم جهان پذیرفته شده‌اند و به این دلیل از اعتبار جهانی برخوردارند- بر جهان حاکمند، ما نباید تلاش برای محروم کردن ما از هیچیک از آن حقوق را بپذیریم و ما از هیچیک از آن حقوق دست‌برنخواهیم داشت.»

اوتانت، دبیرکل سازمان ملل دلایل ما را درک می‌کند. معذالک، ایالات متحده به خود اجازه می‌دهد حق جدیدی برای خود ایجاد کند، حتی خودسرانه و غیرقانونی؛ حق تجاوز به حریم هوایی هر کشور کوچک. از اینروست که ما شاهد آن هستیم که هواپیماهای یو-۲ و دیگر انواع دستگاه‌های جاسوسی با مصونیت کامل در حریم هوایی ما پرواز می‌کنند. ما برای متوقف کردن تجاوز به حریم هوایی و پایان دادن به تحریکات نیروی دریایی آمریکا علیه پست‌های نگهبانی مان در منطقه گوانتانامو، «وزوز» هواپیماها بر فراز کشتی‌های خود و یا کشتی‌های دیگر ملیت‌ها در آب‌های بین‌المللی، حملات دزدانه علیه کشتی‌هایی که با پرچم‌های متفاوت حرکت می‌کنند، و رسوخ جاسوسان، خرابکاران و اسلحه به جزیرمان، تمام هشدارهای لازم را داده ایم.

ما می‌خواهیم سوسیالیسم را بسازیم؛ ما خود را جانبدار کسانی اعلام کرده ایم که برای صلح مجاهدت می‌نمایند؛ ما گرچه مارکسیست-لنینیست هستیم، اما خود را بخشی از گروه کشورهای عدم تعهد اعلام کرده ایم، زیرا کشورهای عدم تعهد مانند خود ما با امپریالیسم می‌رزمند. ما خواهان صلح هستیم، ما خواهان ساختن یک زندگی بهتر برای مردمان هستیم، و به این دلیل است که تا آنجا که ممکن است از اما ما ذهنیت حکام ایالات متحده را می‌شناسیم؛ آنها می‌خواهند ما هزینه .پاسخ دادن به تحریکات برنامه ریزی شده یانکی پرهیز می‌کنیم سنگینی برای صلح بپردازیم. ما می‌گوییم آن هزینه نمی‌تواند از مرزهای شرافت فراتر برود.

و کوبا یکبار دیگر بر حق نگهداری سلاح‌هایی که مایل به نگهداری آنها در قلمرو خود است، و بر امتناع از پذیرش حق هر قدرتی بر روی زمین- هر قدر هم که قدرتمند باشد- برای تجاوز به خاک، قلمرو آبی، یا حریم فضائی ما، دوباره تاکید می‌کند.

اگر کوبا در نشست‌های ماهیتاً جمعی را بپذیرد، تمام آن تعهدات را مو به مو عملی خواهد کرد. مادام که چنان نشست‌های برگزار نشده است، کوبا درست مانند هر ملت دیگری، تمام حقوق خود را حفظ خواهد کرد.

نخست وزیر ما در پاسخ به تقاضاهای امپریالیسم، پنج نکته ضرور برای وجود یک صلح منطقی در کاراییب را اعلام کرد. آن نکات عبارتند از:

- توقف محاصره اقتصادی و تمام فشارهای اقتصادی و تجاری از طرف ایالات متحده در تمام نقاط جهان علیه کشور ما.
- توقف فعالیت های براندازی، شلیک و ارسال اسلحه، و مواد منفجره از طریق هوا و دریا، و سازماندهی تجاوزات مزدورانه، رسوخ جاسوسان و خرابکاران، و تمام اقدامات مشابهی که از قلمرو ایالات متحده و برخی از عوامل آن صورت می گیرد.
- توقف حملات دزدانه دریایی از پایگاه های موجود در ایالات متحده و پورتریکو.
- توقف تمام تجاوزات به حریم فضایی و قلمرو آبی ما از طرف هواپیماها و کشتی های ایالات متحده.
- خروج از پایگاه دریایی گوانتانامو و اعاده قلمرو کوبا که تحت اشغال ایالات متحده قرار دارد.
- هیچکدام از این تقاضا های اساسی برآورده نشده است و نیروهای ما هنوز از پایگاه دریایی در گوانتانامو تحریک می شوند. آن پایگاه به لانه دزدان تبدیل شده است، به نقطه ای که آنها از آنجا وارد کشور ما می شوند.

کافی است گفته شود که تا روز اول دسامبر، تنها در .پرداختن ما به جزییات موارد بیشمار انواع تحریکات، از حوصله این مجمع خارج است سال ۱۹۶۴، بیش از ۱۳۲۳ مورد رخ داده است. این فهرست، تحریکات جزئی مانند تجاوز به خط حائل، پرتاب اشیاء از منطقه تحت کنترل آمریکای شمالی، انجام عملیات جنسی از طرف آمریکایی ها با شرکت هر دو جنس، توهین های لفظی، تحریکات خطرناک تری مانند شلیک سلاح های کوچک، برگرداندن سلاح ها بسمت قلمرو ما و توهین به نمادهای ملی ما را در بر می گیرد. تحریکات جدی تر شامل عبور از خط حائل و آتش زدن تاسیسات در سمت کوبا، هفتاد و دو مورد شلیک تفنگ در سال جاری و مرگ رامون لویز پنا، سربازی که بوسیله دو شلیک از طرف پست دیده بانی ایالات متحده از سه و نیم کیلومتری ساحل واقع در مرز شمالی کشته شد، می شود.

این تحریک جدی در ساعت نوزده و هفت دقیقه روز ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۴ اتفاق افتاد و نخست وزیر ما روز ۲۶ ژوئیه علناً اعلام کرد اگر آن اتفاق تکرار شود، او به سربازان ما دستور خواهد داد تجاوز را به عقب برانند. همزمان دستور خروج نیروهای خط اول کوبا به موضعی دورتر از خط حائل و بنای ساختمان های ضرور صادر شد.

یکهزار و سیصد و بیست و سه اقدام تحریک آمیز در ۳۴۰ روز یعنی تقریباً سه اقدام در هر روز. تنها یک ارتش کاملاً با انضباط و با روحیه قوی مانند ارتش ماست که می تواند در مقابل اینهمه اقدامات خصمانه مقاومت کرده و کنترل خود را از دست ندهد.

چهل و هفت کشوری که در دومین کنفرانس سران حکومت یا دولت کشورهای عدم تعهد در قاهره گرد آمدند، به اتفاق آراء اعلام کردند:

« نظر به این امر نگران کننده که پایگاه های نظامی خارجی، در عمل، ابزاری برای وارد کردن فشار به ملت ها و متوقف کردن رهایی و توسعه آنها براساس ایده های ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود آنهاست... حمایت کامل خود را از کشورهایی که بدنبال تأمین خروج پایگاه های خارجی از قلمرو خود هستند، اعلام نموده و از دولت هایی که در کشورهای دیگر نیرو و پایگاه دارند می خواهد فوراً آنها را خارج

کنند.

کنفرانس، وجود پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در گوانتانامو (کوبا) را سرپیچی از اراده دولت و مردم کوبا و نادیده گرفتن مفاد اعلامیه کنفرانس بلگراد و تجاوز به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کوبا می داند.

نظر به اینکه دولت کوبا آمادگی خود را برای حل اختلاف پیرامون پایگاه گوانتانامو براساس موقعیت برابر با ایالات متحده اعلام کرده است، کنفرانس از دولت ایالات متحده می خواهد با دولت کوبا برای تخلیه پایگاه هایشان مذاکره نماید.»

دولت ایالات متحده به این خواست کنفرانس قاهره پاسخ نداده است و می خواهد بخشی از قلمرو ما را بطور نامحدود با زور تحت اشغال نگه داشته و از آنجا به اقدامات تجاوزگرانه ای که قبلاً به آنها اشاره شد، دست بزند.

سازمان دولت های آمریکایی - که بعضی ها در ایالات متحده آن را وزارت مستعمرات می دانند- ما را قاطعانه محکوم کرد، آن سازمان ما را حذف کرده است و به اعضای خود دستور داده است روابط دیپلماتیک و تجاری خود را با کوبا قطع کنند. سازمان دولت های آمریکایی مجوز تجاوز علیه کشور ما در هر زمان و به هر بهانه را صادر کرد و اساسی ترین قوانین بین المللی را زیر پا گذاشت و سازمان ملل را کاملاً نادیده گرفت. اروگوئه، بولیوی، شیلی، و مکزیک با آن اقدام مخالفت کردند، و دولت ایالات متحده مکزیک از همراهی با تحریم هایی که تصویب شده بود امتناع نمود. از آموغ تا کنون ما بجز مکزیک با هیچ کشور دیگر آمریکای لاتین رابطه نداریم؛ در نتیجه امپریالیست ها یکی از مراحل اولیه نقشه تجاوز مستقیم خود را به اجرا گذاشته اند.

ما می خواهیم یکبار دیگر اشاره کنیم که نگرانی ما پیرامون آمریکای لاتین ناشی از روابطی است که ما را به هم پیوند می زند؛ زبانی که صحبت می کنیم، فرهنگ ما، و ارباب مشترکی که داریم. اما ما دلیل دیگری برای خواست رهایی کشورهای آمریکای لاتین از یوغ استعماری ایالات متحده نداریم. اگر در اینجا هر کشور آمریکای لاتین تصمیم بگیرد [روابط خود را دوباره برقرار کند، آن روابط باید بر پایه برابری باشد و نه بر این تصور که گویا به کشور ما لطف می کنند و ما را بعنوان یک کشور آزاد در جهان برسمیت می شناسند، زیرا ما با خون خود در روزهای مبارزه مان برای رهایی به آزادیمان رسمیت بخشیدیم.

گرچه ما هر تلاشی که بخواهد دخالت در امور داخلی دیگران را به ما نسبت بدهد را رد می کنیم، اما نمی توانیم انکار کنیم که ما با خلق هایی که برای آزادیشان مبارزه می کنند همدردی نشان می دهیم، به تعهد دولت و مردم خود کاملاً وفاداریم و بوضوح و بدون ابهام به جهان اعلام می کنیم که ما از نظر اخلاقی از خلق هایی که در همه جا برای واقعیت بخشیدن به حقوق حاکمیت کامل اعلام شده در منشور سازمان ملل مبارزه می کنند حمایت کرده و خود را با آنها یکی می دانیم.

این ایالات متحده آمریکا است که دخالت می کند. ایالات متحده آمریکا است که در طول تاریخ دخالت کرده است. از پایان قرن گذشته، کوبا با حقیقت امر خوب آشنا بوده است، حقیقتی که ونزوئلا، نیکاراگوئه، آمریکای مرکزی بطور اعم، مکزیک، هائیتی، و سانتو دومینگو نیز آن را خوب می دانند. در سالهای اخیر، علاوه بر خلق های ما، موقعی که تفنگداران کانال بر روی مردم بی دفاع آتش گشودند، پاناما نیز با تجاوز مستقیم آشنا شده است؛ سانتا دومینگو نیز، که سواحل آن از طرف ناوگان دریایی یانکی جهت جلوگیری از انفجار خشم بر حق مردم آن بعد از مرگ تروخلیو مورد تجاوز قرار گرفت؛ و کلمبیا نیز، که پایتخت آن در پاسخ به شورش که در پی ترور گایتان رخ داده بود، مورد حمله واقع شد.

مداخلات پنهان از طریق میسیون های نظامی که در سرکوب داخلی شرکت می کنند، و در بسیاری از کشورها نیروهایی را برای آن هدف آموزش می دهند، و همچنین از طریق کودتاهایی که به کرات طی چند سال گذشته در قاره آمریکا تکرار شده است، صورت می گیرد. بطور مشخص، نیروهای ایالات متحده در سرکوب خلق های ونزوئلا، کلمبیا، و گواتمالا که به مبارزه مسلحانه برای آزادی خود دست زدند، شرکت کرده اند. در ونزوئلا، آمریکایی ها نه تنها نقش مستشار ارتش و پلیس را دارند، بلکه دست به عملیات مستقیم نسل کشی علیه جمعیت دهقانی در مناطق وسیع تحت کنترل شورشیان نیز می زنند، و شرکت های ایالات متحده که در آنجا مستقر شده اند برای افزایش مداخله مستقیم همه نوع فشار وارد می کنند.

ایالات متحده در قاره (امپریالیست ها تدارک سرکوب خلق های قاره آمریکا را می بینند و در حال تاسیس شبکه بین المللی جنایت اند). آمریکا به بهانه «دفاع از نهادهای دموکراتیک» دخالت کرد. زمانی خواهد رسید که این مجمع به بلوغ بیشتری خواهد رسید و از دولت ایالات متحده آمریکا برای جان جمعیت سیاه و آمریکای لاتینی که در آن کشور زندگی می کنند، و اکثراً شهروندانی هستند که در جای دیگر دنیا آمده اند، طلب تضمین خواهد کرد.

آنها چگونه می توانند ادعای «پاسداران آزادی» بودن را داشته باشند، هنگامی که فرزندان خود را می کشند و روزانه علیه مردم بخاطر رنگ پوستشان تبعیض قائل می شوند؛ هنگامی که آنها نه تنها قاتلان مردم رنگین پوست را آزاد می کنند، بلکه آنها را تحت حمایت خود قرار داده و جمعیت رنگین پوست را بخاطر طلب حقوق مشروعشان بمثابه انسان های آزاد، مجازات می کنند؟ ما درک می کنیم که مجمع در حال حاضر در وضعیتی نیست که راجع به این اقدامات توضیح بخواهد، اما باید این را مسلم کرد که دولت ایالات متحده قهرمان آزادی نبوده، بلکه عامل جرم استثمار و سرکوب خلق های جهان، و بخش بزرگی از جمعیت خودش است.

در ارتباط با زبان دو پهلوئی که برخی از نمایندگان در مورد کوبا و سازمان دولت های آمریکایی بکار بردند، ما رُک و راست می گوئیم، دولت ها بخاطر خیانت هایشان مسئول خواهند بود.

کوبا یک حکومت آزاد و مستقل است، هیچ زنجیری آن را به کسی نمی بندد، هیچ سرمایه گذاری خارجی در قلمرو آن وجود ندارد، هیچ فرمانفرمای خارجی سیاست آن را هدایت نمی کند، و می تواند باغور در این مجمع صحبت کند و درستی این عبارت را نشان بدهد که همیشه «سرزمین آزاد آمریکا» خواهد بود.

نمونه ما در قاره به ثمر خواهد نشست، همانطور که در حال حاضر تا حد مشخصی در گواتمالا، کلمبیا و ونزوئلا ثمر داده است. امپریالیست ها دیگر نباید با یک دشمن کوچک، با یک نیروی نا چیز، مقابله کنند، زیرا مردم دیگر پراکنده نیستند.

همانطور که در بیانیه دوم هاوانا آمده است:

«هیچ خلق آمریکای لاتین ضعیف نیست، زیرا بخشی از یک خانواده ۲۰۰ میلیون برادر است که در محاصره مصائب قرار دارد، همان احساسات را دارد، و همان دشمن را، در عین حال همه آنها رویای همان سرنوشت را دارند و از حمایت تمام مردان و زنان شریف جهان

برخوردارند.»

تاریخ آینده تاریخ توده های سرخ پوستان گرسنه، تاریخ دهقانان بی زمین، تاریخ کارگران استثمار شده خواهد بود، و آن را توده های مترقی، روشنفکران شریف و تیزهوش که در سرزمین های نگون بخت آمریکای لاتین ما فراوانند، با مبارزه توده ها و ایده ها خواهند نوشت؛ عصری که با خلق های ما که مورد بدرفتاری و نفرت امپریالیسم بوده اند به پیش خواهد رفت، خلق های ما که تاکنون به حساب نمی آمدند اکنون دارند بیدار می شوند. ما را یک گله ناتوان و سربه زیر تصور می کردند؛ اما آنها اکنون از آن گله می ترسند، یک گله ۲۰۰ میلیونی آمریکایی های لاتین، که زنگ خطر را برای سرمایه داران انحصارگر یانکی به صدا درآورده است.

ساعت حقانیت، ساعتی را که آن توده برای خود برگزید، اکنون از یک سر قاره تا سر دیگر آن به صدا در آمده است. آن توده های گمنام، آمریکای رنگین پوست، غمگین، تسلیم ناپذیر، که در سرتاسر قاره همان سرود غمگانه و سوگوارانه را می خواند، آن توده اکنون قاطعانه ورود به تاریخ خود، و نوشتن تاریخ خود را با خون، و رنج بردن و مردن برای آن را آغاز کرده است. زیرا اکنون، در مزارع و کوه های آمریکا، در دشت ها و جنگل های آن، در کنج خلوت، در قیل و قال شهرها، در سواحل اقیانوس ها و رودهای بزرگ آن، جهانی مملو از قلب های طپنده در حال شکل گیری است، قلب هایی که آماده اند برای آنچه که متعلق به آنهاست و برای فتح حقوق خود که نزدیک پانصد سال زیر پا گذاشته شده است، بمیرند.

تاریخ باید داستان فقرای آمریکا را بگوید، تاریخ استثمار شدگان آمریکای لاتین را که تصمیم گرفته اند نوشتن برای خودشان، برای همیشه نوشتن از سفر دور و دراز خودشان را آغاز کنند. ما هم اکنون آنها را گام زنان در کنار آن جاده ها می بینیم، پیاده، روز بعد از روز، در مارش های طولانی و بی پایان، صد ها کیلومتر، تا به "اولیمپوس" حاکم برسند و حقوق خود را باز ستانند. ما آنها را مسلح به سنگ، چوب، داس می بینیم، اینجا، آنجا، همه جا، که روزانه زمین های خود را اشغال می کنند، و در زمینی که متعلق به آنهاست ریشه می دوانند و با جان خود از آن دفاع می کنند؛ ما آنها را پرچم بدست می بینیم، پرچم های آنها در باد، در کوه ها و در دشت ها در اهتزاز است. و آن موج خشم اوج گیرنده، موج خواست های بر حق، موج حقوق پایمال شده، در سرتاسر آمریکای لاتین بلندتر می شود و هیچکس نمی تواند آن را سد کند؛ روز به روز رشد خواهد کرد زیرا در هر جانب از توده بزرگ تشکیل می شود، از کسانی که با کار خود ثروت های زمین را می آفرینند، و چرخ تاریخ را به حرکت در می آورند، کسانی که اکنون از خواب طولانی و رخوت انگیز بیدار می شوند.

زیرا این بشریت بزرگ گفته است «کافیست» و حرکت به پیش را آغاز کرده است. و مارش آنها، مارش گولها نمی تواند متوقف شود، و متوقف نخواهد شد تا استقلال واقعی خود را، که تا کنون بسیاری برای آن جان خود را، و نه بیهوده، از دست داده اند، فتح کنند. در هر صورت، کسانی که می میرند مانند کسانی خواهند مرد که در کوبا، در پلایا گیرون، جان باختند؛ آنها برای استقلال واقعی خود، که هرگز از آن دست نخواه شست خواهند مرد.»

این عزم جدید تمام قاره آمریکا هر روز خود را در بانگ توده های ما بمثابة بیان انکار ناپذیر تصمیم آنها برای رزمیدن، برای قطع کردن دست متجاوز نشان می دهد. این بانگی است که از درک و حمایت تمام خلق های جهان بویژه اردوگاه سوسیالیستی، به سرکردگی اتحاد شوروی برخوردار است.

آن بانگ می گوید: یا وطن یا مرگ

منبع: انتشارات وزارت امور خارجه کوبا، هاوانا